

بیانات معظم له در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) - 24 / شهریور / 1371

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً این عید سعید و روز بزرگ را که میلاد وجود مبارک مولود بزرگ عالم انسانیت و نبی مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم و ولادت سلاله‌ی پاک آن بزرگوار، امام صادق علیه الصلوة والسلام است، به همه‌ی مسلمانان عالم، به همه‌ی حق طلبان و عدالت جویان عالم؛ بخصوص به ملت بزرگ ایران و به خانواده‌های شهدا و شما حضار این مجلس، تبریک عرض می‌کنم.

روز ولادت نبی بزرگوار اسلام، روز تدبر در برکات بی‌پایان این مولود مکرم است که شاید بتوان گفت: بزرگترین برکات این ولادت عظیم، عبارت بود از هدیه کردن توحید و عدالت به جوامع بشری. انسانها امروز هم، که روز پیشرفت علم و ترقیات عظیم فکری بشری است، در عالم اعتقاد، اسیر شرکند؛ حتی در کشورهای بسیار پیشرفته از لحاظ مادی. پس، معلوم می‌شود که اعتقاد به توحید، با همه‌ی برکاتی که دارد، به نورانیتی احتیاج دارد که جز از طریق عقلی که با وحی الهی هدایت شده باشد، رسیدن به آن، امکان‌پذیر نیست. این هدیه را، پیغمبر مکرم ما به بشریت داد؛ همچنان که انبیای گذشته داده بودند. اعتقاد به توحید، در جان و قلب و حتی در زمینه‌ی زندگی انسان، دارای برکاتی است که باید به آنها اندیشید و به سمت آثار و برکات توحید حرکت کرد.

یکی دیگر از هدیه‌های بزرگ الهی که به وسیله‌ی این مولود مکرم به بشریت هدیه شد، عدل و عدالت بود؛ هدیه‌ی عدل و عدالت به انسانی که گرفتار بی‌عدالتی است. از اول تاریخ تا امروز نیز، همچنان، گرفتاری بزرگ بشریت، گرفتاری بی‌عدالتی است. این دینی که مولود مکرم امروز به بشریت عرضه کرد، انسانها را به چنین نقطه‌های برجسته‌ای مانند توحید و عدل در زندگی انسان، دعوت می‌کند. پس، برکات این روز، برکاتی است که اولاً متعلق به همه‌ی بشریت است؛ یعنی هر کس که بتواند از آن استفاده کند؛ ثانیاً، مخصوص به زمان خاصی نیست. امروز هم بشر به این احتیاج دارد که به توحید خالص و دستور عدل اسلامی و نسخه‌ای که اسلام برای عدالت به بشریت داده است برگردد، که فرمود: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم.» (33) یعنی دعوت به تقوی و پرهیزکاری؛ دعوت به دور ریختن انگیزه‌های تفرقه‌ی بین انسانها؛ مثل قومیت و نژاد و خون و رنگ و از این چیزها.

امروز، کشورهای از لحاظ مادی مترقی دنیا، هنوز گرفتاری سیاه و سفید دارند. سیاهپوست حدودی دارد؛ سفید پوست حدودی دارد. هنوز جنگ نژادی است؛ جنگ خون است؛ جنگ قومیتهاست. و چقدر انسانها، که به خاطر جنگ میان قومیتها و ملیتهای ساختگی از بین می‌روند؛ کشته می‌شوند؛ حقوقشان ضایع می‌شود و بی‌خانمان می‌شوند! پس، امروز هم بشر محتاج ندای وحدت و توحید و عدل است؛ که پرچمدار آن، اسلام و مسلمین هستند. چه کسی با این مخالف است؟ قدرتمندانی که از تفرقه استفاده می‌کنند؛ از شرک استفاده می‌کنند؛ از نبودن عدل استفاده می‌کنند و بنای زندگی و فلسفه‌ی حیاتشان، بر تبعیض است. امروز قدرتمندان بزرگ مادی عالم، یعنی همان کسانی که در کشورهای خودشان داد دموکراسی زده‌اند و ادعای دموکراسی و یکسانی حقوق افراد جامعه را مطرح کرده‌اند و با استبداد حکومتها - البته در ادعا و در لفظ - مخالفند، همانها، در سطح عالم، دموکراسی را از بین برده‌اند. ترجیح ملتی بر ملتی؛ ترجیح منطقه‌ای بر منطقه‌ای؛ ترجیح خونی بر خونی! استبداد را بر دنیا حاکم کردند، تا به گونه‌ای که بخواهند، دنیا را اداره کنند. این، وضع بشریت امروز است. و می‌بینیم که امروز بشریت محتاج همین فریادی است که پیغمبر اسلام مبنی بر توحید و عدل میان انسانها بلند کرد. ما ملت ایران، این هفته را

«هفته‌ی وحدت» قرار دادیم و امام بزرگوار ما رضوان‌الله‌تعالی‌علیه که همیشه منادی وحدت بین مسلمین بودند، در این هفته، ندای وحدت را به گوش همه‌ی مسلمانان عالم، بلکه همه‌ی حق‌طلبان عالم رساندند.

«هفته‌ی وحدت»، اسم مناسبی است. بحمدالله وحدت بین آحاد ملت ایران، بین قشرهای مردم، در هر راه و رسم و حدی که هستند و به هر کاری که مشغولند، وجود دارد. آحاد ملت ما، علی‌رغم توطئه‌ها و بذر نفاق افکنیها، با هم متحدند و در یک جهت حرکت می‌کنند: در جهت اسلام؛ در جهت قرآن؛ در جهت حاکمیت دین؛ بدون فرقی بین شیعه و سنی و قومیت‌های مختلف (فارس و عرب و ترک و ترکمن و بلوچ و کرد و غیر اینها)؛ یک ملت یکپارچه. واقعاً ملت ایران، به برکت اسلام، یک نمونه است. بین ملت‌های مسلمان، یک الگوی موفق است. خداوند از شما ملت ایران، به خاطر صادقانه پاسخ گفتنتان به دعوت دین و ندای امام بزرگوارتان راضی باشد. این را باید حفظ کنید. همین وحدت با ارزشی که به برکت آن، شما توانسته‌اید این همه پیروزی را به دست بیاورید، دشمنهایی در کمین دارد. باید هوشیار باشید و نگذارید اختلافات به وجود آید. در آن جایی که بهانه‌ی اختلاف هست و دشمن می‌تواند آن‌جا مستمسکی برای اختلاف درست کند، بیشتر مواظب باشید. در مسأله‌ی مذهب و اختلافات مذهبی، که قرنهای متمادی دشمنان از آن سوءاستفاده کردند، بیشتر باید مواظب باشند. هم شیعه باید مواظب باشد، هم سنی.

در قضیه‌ی قومیتها، که دشمنان کمین گرفته‌اند؛ پشت خم کرده‌اند تا بلکه بتوانند به نحوی بین قومیت‌های ایرانی که در طول تاریخ در کنار هم زندگی کردند، اختلاف ایجاد کنند، باید هوشیارتر و مواظب‌تر باشید. اینها آن نقطه‌هایی است که دشمن می‌خواهد ازشان استفاده کند. باید در مقابل اینها ایستاد.

دشمن می‌خواهد ایران نباشد. دشمن می‌خواهد یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران نباشد. دشمن می‌خواهد پرچم اسلام بالای سر این ملت در اهتزاز نباشد. دشمن می‌خواهد در رأس این حکومت، کسانی مثل رژیم گذشته - نوکرها و دست‌نشانده‌های خودش - بر سر کار باشند. البته که دشمنان جهانخوار حاضر نیستند یک ملت مستقل را با اتکا به نفس، با اعتماد به خدا، با تکیه به دین اسلام ببینند؛ آن هم در چنین منطقه‌ی حساسی از عالم و با این احساس عظمی که در این ملت هست و احساس همدردی‌ای که نسبت به مسلمانان دارند!

آن روز که شما برای مردم بوسنی هرزگوین آن راهپیمایی عظیم را در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای کشور راه انداختید، خیال می‌کنید کسانی که جلادان بوسنی هرزگوین محسوب می‌شوند و پشت سر آن جلادان ایستاده‌اند، آن اجتماع عظیم را ندیدند؟! متأثر نشدند از این که ملت ایران چگونه با عزمی راسخ، در یک مسأله‌ی بین‌المللی ایستاده است و براساس مصداق «من اصبح و لم یهتتم بامور المسلمین...»، اهتمام به امور مسلمین دارد؛ آن هم با همه‌ی وجود و در هر جایی که این مسلم باشد، ولو در اروپا! مردم ما چه می‌دانند مردم بوسنی هرزگوین، مردم ساریوو چه کسانی، چگونه مردمی و با چه احساساتی هستند؟! ما تا به حال چه ارتباطی با هم داشتیم؛ به جز اسلام، احساس اسلامی و احساس این که ملت مسلمانی زیر ستم قرار گرفته است؟!!

این احساس، مردم ما را به حرکت وا می‌دارد؛ مردم ما را به اهتمام به امور آنها وامی‌دارد. اگر لازم است به خیابانها بیایند، با گروههای میلیونی به خیابانها می‌ریزند. اگر لازم است کمک کنند و پول بدهند. به حسابهای مربوط پول می‌ریزند و کمک می‌کنند. اگر چیز دیگری هم در راه حمایت از برادران مسلمان لازم باشد، باز هم ملت ما سینه را سپر می‌کند و آماده، می‌ایستد. این، یک نمونه از ملتی است که اعتقاد به وحدت اسلامی، به برادری اسلامی و به خویشاوندی اسلامی دارد. حال اگر همه‌ی ملت‌های مسلمان با هم چنین باشند، ببینید چه چیزی در دنیا پیش می‌آید! این، وحدت اسلامی است. وحدت بالاتر، بعد از وحدت میان آحاد یک کشور و یک ملت: وحدت امت اسلامی است.

اگر سران کشورها، در همه‌ی کشورهای اسلامی به ملتها برای ابراز احساساتشان نسبت به مسائل بین‌المللی اسلامی میدان و راه بدهند و آنها را هدایت کنند، و آنها همان وضعی را پیدا کنند که ملت ایران دارد، ببینید چه حادثه‌ای در دنیا اتفاق می‌افتد! فکر می‌کنید اگر چنین وحدت و همدلی و همدستی‌ای بین ملت‌های مسلمان باشد، دیگر دشمن جرأت می‌کند یک ملت مسلمان را مثل همین ملت بیچاره و مظلوم بوسنی هرزگوین، آن‌گونه در حلقه‌ی محاصره قرار دهد؟! آیا دیگر مجامع بین‌المللی جرأت می‌کنند مسأله را با حرف و زبان، از سر، باز کنند؟ واقعاً حادثه‌ی عجیبی در دنیا اتفاق می‌افتد! این همه ادعای طرفداری از حقوق انسان می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به یک عده مردم مسلمان می‌رسد، همه از یاد می‌رود! این چه عنادی است که دشمنان و قدرتهای جهانی با اسلام دارند؟! این چه جنگ صلیبی‌ای است که امروز علیه اسلام و مسلمین به راه انداخته‌اند، که انسان در همه جا نشانه‌های آن را مشاهده می‌کند؟! این چه مظلومیتی است که مسلمانان در همه‌ی نقاط عالم - هر جایی که دشمنان بتوانند نسبت به آنها اعمال کنند - مشاهده می‌شود؟! این، ناشی از چیست؟ ناشی از این است که بین مسلمانان تفرق است؛ بین امت اسلامی تفرقه است؛ بین دولتهای مسلمان تفرقه است و این تفرقه، کار دشمن است.

ما کشورهای اسلامی، با هم اصطکاک منافع نداریم. یک مجموعه‌ی اسلامی، یک بلوک اسلامی، برای همه خوب است، نه برای یک جمع خاص. کشورهای بزرگ اسلامی هم از یک مجموعه‌ی اسلامی سود می‌برند؛ کشورهای ضعیف و کوچک و فقیر هم سود می‌برند. این، به نفع همه است. به نفع همه‌ی اطراف قضیه است. پس به ضرر کیست؟ چه کسی از اجتماع مسلمین متضرر است؟ آن قدرتهایی که می‌خواهند اغراض فاسد خودشان را روی ملت‌های مسلمان اعمال کنند؛ یعنی قدرتهای بزرگ، امریکا، سیاست‌های استعماری. ما از اول انقلاب تا امروز، کشورهای مسلمان را به وحدت دعوت کردیم؛ کشورهای منطقه‌ی اسلامی و مجموعه‌های کوچکتر را به وحدت دعوت کردیم. ما نگفتیم بیایید وحدت کنیم تا ما از این وحدت استفاده کنیم. ما اگر همواره سعی کرده‌ایم برادری و رفاقت‌مان را با دولتهای اسلامی حفظ کنیم، نه برای این است که دولت یا ملت ایران، احتیاج ویژه‌ای به این همراهی دارد؛ نه. برای این است که همه‌ی دنیای اسلام از این رابطه سود ببرد.

ملت ایران ملتی قوی است. دولت ایران دولت مستحکمی است؛ چون به آحاد ملت خود متکی است. ما را که در جنگ تحمیلی عراق دیدید! دیدید چگونه رفتار کردیم! دیدید ملت ما چگونه عمل کرد! ما که از تهاجم دشمن باکی نداریم! چه کسی می‌تواند بگوید که عراق وقتی هشت سال با ما می‌جنگید، امریکا و ناتو پشت سرش نبود؟! امروز همه‌ی حقایق آشکار می‌شود: به عراق سلاح می‌دادند، پول می‌دادند، نقشه‌ی جنگی می‌دادند، خبر ماهواره‌ها را می‌دادند، برایش جاسوسی می‌کردند و همه به نفع عراق کار می‌کردند. دولتهای عربی خلیج فارس، از روی ترس به عراق کمک می‌کردند. چه کسی می‌تواند اینها را منکر شود؟ کدام دولت از این دولتهای منطقه هست که بتواند بگوید در این جنگ هشت ساله، به عراق کمک نکرده است؟ نتیجه چه شد؟ آیا ملت ایران یک قدم عقب‌نشینی کرد؟ آیا ملت ایران احساس ضعف کرد؟ آیا رهبر ایران، که مثل کوه در مقابل همه دنیا ایستاد، احساس ترس کرد؟ آیا ملت و رهبر و مسؤولین کشور، به خاطر دشمنیها رابطه‌شان روزبه‌روز صمیمانه‌تر نشد؟ ما که از تهاجم دشمن باکی نداریم! ما می‌گوییم وحدت، برای این است که شما منتفع شوید؛ همه‌ی دولتها منتفع شوند؛ دنیای اسلام منتفع شود. وحدت، این است! امروز می‌شنوید که در خلیج فارس، باز سر و صداهایی درست کرده‌اند: بهانه‌ای به اسم جزیره‌ی ابوموسی و از این حرفها. این حرفها چیست؟! اینها کار کیست؟! کیست که دست استعمارگران دیروز - همان دستهای پلید - را در این ماجرا نبیند؟! کیست که دست قدرتهای حاضر در خلیج فارس را، دست امریکا را، دست استعمارگر پیر منحوس، یعنی دولت انگلیس را، در این ماجرا نبیند؟! چه می‌خواهند اینها؟ چرا می‌خواهند بین همسایه‌ها اختلاف ببندازند؟ چرا می‌خواهند برای توجیه حضور خودشان در خلیج فارس، برادران را با هم دشمن کنند؟ این کشورها اگر با یکدیگر همدست باشند، مشتکی خواهند شد و آن وقت دشمن جرأت نمی‌کند در مقابل آنها بایستد و

به این کشورها زور بگویند. می‌خواهند این همدستی از بین برود و این مشت باز شود. چرا؟ چه کسانی هستند؟ معلوم است که دست قدرتهای بیگانه است. ما تصورمان این است. ما خیال می‌کنیم در این قضایا، شیوخ منطقه اگر گناهی داشته باشند، گناهشان غفلت از حقایق است. آنها هم دلشان می‌خواهد اتحاد و اتفاق باشد.

ما توصیه‌مان به دولتهای خلیج فارس و همسایه‌ها این است که دشمن را ببینند؛ دشمن را بشناسند؛ کید دشمن را بشناسند؛ دست دشمن را بشناسند و بدانند کیست که می‌خواهد در این منطقه اختلاف بیندازد؟ این اختلاف، بیشتر به ضرر خود آنهاست. حوادث دو، سه سال پیش منطقه را دیدید؟ دیدید نتیجه‌ی کمک به عراق چه شد؟ نتیجه‌ی حضور قدرتمندانه‌ی امریکا و انگلیس و دیگران را در این منطقه دیدید؟ چقدر منطقه و دولتهای جنوب خلیج فارس تحقیر شدند و هنوز هم می‌شوند! ملتها چقدر تحقیر شدند! علاج همه‌ی اینها، اتحاد کلمه است. والا دولت ایران که از چیزی نمی‌ترسد. ملت ایران هم از چیزی نمی‌ترسد. ما در انقلاب متولد شدیم، با انقلاب پیش رفتیم و در مقابل دشمنیها رشد کردیم. بیشتر از آنچه که دنیا تا امروز با ما دشمنی کرده است، ممکن نیست با کسی دشمنی کرد. با کدام ملت این قدر دشمنی کرده‌اند؟ با این وجود، ملت ایران مانده است؛ انقلاب مانده است؛ جمهوری اسلامی مانده است و همیشه به فضل الهی خواهد ماند. این، آن پیام وحدت اسلامی است که برای همه، مایه‌ی عزت، مایه‌ی کرامت و مایه‌ی آرامش است. این، آن آرزوی ماست.

ما آرزو داریم که این يك ميليارد مسلمان، حقیقتاً يك واحد باشند؛ نه این که دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی‌الظاهر، تا قبل از ظهور ولی‌عصر ارواحنا فدا، نخواهد شد. اما می‌گوییم در يك جهت حرکت کنند. با يك روحیه حرکت کنند. ملتها و دولتهای مسلمان، با يك دل حرکت کنند. و این، عزت و قدرت آنهاست. عزت و قدرت، در سایه‌ی اسلام است. عزت و قدرت، در سایه‌ی همبستگی و همدلی اسلامی شما ملت ایران است. عزت و قدرت در سایه‌ی تقوا و تمسك به قرآن است. عزت و قدرت، در سایه‌ی نترسیدن از غیر خداست. اینها را اگر ما رعایت کردیم، دیگران باشند یا نباشند؛ همراه ما باشند یا مقابل ما باشند، خدای متعال پشتیبان ما خواهد بود. و ما این راه را به فضل الهی ادامه خواهیم داد و می‌دانیم که خدای متعال با ماست و توجهات ولی‌عصر ارواحنا فدا، ان شاء الله شامل حال شما ملت است.

من مجدداً به همه‌ی حضار، مخصوصاً میهمانان هفته‌ی وحدت که از اکناف کشور و از کشورهای دیگر تشریف آورده‌اند و همچنین سفرای محترم کشورهای اسلامی، تبریک عرض می‌کنم. خداوند پشت و پناه همه‌ی شما باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(33) حجات: 13.